

گفت و گو با آقای بردیا کیارس

به بهانه‌ی حضور مجدد ایشان در کرمان برای برگزاری کارگاه آموزشی ویلن کلاسیک
به همت آموزشگاه موسیقی اخلاقی

رسانه موسیقی کرمان (رسام)

سلام و با عرض تشکر از اینکه وقت خودتان را در اختیار رسانه رسام قرار
دادید، صحبت مقدماتی خود را بفرمایید.

* با سلام به همه شما مخاطبان محترم رسانه رسام خوشحالم که بعد از یک وقفه دو
ساله برای چندمین بار در کرمان حضور دارم و برای کلاس‌ها به کرمان آمدم.

ارزیابی شما از کلاس‌های کرمان چگونه است؟

* در میان کسانی که از قبل در کلاس‌ها شرکت می‌کردند و چه افرادی که به تازگی وارد
این کلاس‌ها شدند پیشرفت قابل ملاحظه‌ای دیدم و این نشان می‌دهد که بچه‌ها چقدر
تلاش و تمرین می‌کنند و این باعث خوشحالی است.

به عنوان کسی که در زمینه آموزش موسیقی فعالیت همه جانبه دارید، تاثیر
فضای مجازی و آموزش‌های موسیقی از این طریق را خصوصا در دوران همه
گیری کرونا چگونه ارزیابی می‌کنید؟

* کرونا به محدودیت‌هایی که داشت باعث شد ما به فکر راه‌های تازه‌ای بیافتیم. مثل
کلاس‌های آنلاین. البته در این بین مشکلاتی هم وجود دارد مثل اشکالات سخت افزاری
و سرعت اینترنت که باعث می‌شود گاهی اوقات کلاس‌ها دچار اشکال بشوند. و در
مجموع می‌توان گفت که کلاس‌های آنلاین هیچ‌گاه نمی‌تواند دقیقا جایگزین کلاس‌های
حضوری در رشته موسیقی شود.

به عنوان کسی که در هنرستان موسیقی هم تدریس کردید راه کار شما برای
تفاوت و تغییراتی که گاه سلیقه‌ای هم هست، در اتودهای آموزشی خصوصا
برای سازهای ایرانی چه هست؟ و چرا این گونه است؟

* اولین نکته برمی‌گردد به تفاوت تاریخی در تحقیق و پژوهش در خصوص موسیقی غربی در مقایسه با موسیقی ایران. نزدیک چهارصد سال برای موسیقی غربی تحقیق و پژوهش انجام شده اما حدود صد سال است که در موسیقی ایرانی خط نت داریم. سیستم موسیقی ایرانی به صورت مکتوب نبوده و به صورت شفاهی و سینه به سینه است که ممکن است تغییر و دخل و تصرفی در آن رخ داده باشد. پس این تغییرات و تفاوت‌ها اجتناب ناپذیر است. یک مثال می‌زنم مثل ساز سازی در موسیقی ایرانی و موسیقی غربی. ممکن است در ساز سازی ایران تغییراتی در ساخت و ساز ساختمان سازها ایجاد شود اما در اروپا مثلاً در ساز ویولن سازنده ساز حق تغییر در ساختار اصلی و ریشه ساز را ندارد چون دچار مشکل خواهد شد و این نوازنده نمی‌تواند در ارکسترها و یا حتی فستیوال‌ها و مسابقات شرکت کند. همه چیز تعریف شده و مشخص است.

درباره تجربه خودتون از اجراهای موسیقی در دوران کرونا بفرمایید.

* من در اجرا کنار یک تیم بودم و همکاری این تیم باعث شد در این دوران بتوانیم برای مخاطبان خودمون اجراهای با کیفیت را آماده کنیم. البته نفس مخاطب باعث دلگرمی یک هنرمند است. صدای تشویق مخاطب برای من هنرمند همانند یک لیوان آب خنک در دل کویر به ما می‌چسبد. در این اجراها عدم حضور آنها کاملاً محسوس بود. چون می‌دانستیم آنها در منزل مشغول نظاره ما هستند دلگرم بودیم.

درباره آسیب‌های مادی و معنوی هنرمندان در این دوران و پیگیری آن چه نظری دارید. ؟

* من شخصا مطالبه‌ای ندارم. بیشتر بدهکار هم هستم قطعاً موسسات و افرادی که مسئول رسیدگی به رفاه و آسایش امور صنفی هنرمندان هستند باید در این زمینه پاسخگو باشند من هنرمند اگر می‌توانستم که آنجا می‌نشستم در جای آنها. ! تنها هنرمندها و نوازنده‌های ارکسترهای دولتی و صدا و سیما بودند که حقوق خود را دریافت کردند ولی سایر هنرمندان چه؟ آنها باید حقوق و مزایای خود را چگونه مطالبه کنند در برابر ۸۰ میلیون جمعیت ایران فقط ۱۲۰ نفر هستند که در ارکسترها فعالیت می‌کند و حقوقی دریافت می‌کند. به نظر می‌رسد هنرمندها باید همچنان صورت خود را با سیلی سرخ نگه دارند و این سرخی هیچگاه از بین نمی‌رود.

از نظر شما هنرمند متعهد چه کسی است؟

* به نظرم اگر هر انسانی در هر زمینه ای از زندگی و رفتار و کردارش درست و متعهد باشد حتماً هنرمند متعهدی خواهد بود چون هنرمند یک انسان است در درجه اول.

اصول نقد سازنده و موثر از دید شما کدام است؟

من خودم هیچ‌گاه نقد ننوشتم بلکه نظر دادم. این دو با هم تفاوت دارد. من ابتدا در مواجهه با یک اثر هنری می‌بینم که چه چیزی می‌توانم از آن اثر یاد بگیرم. اگر چیزی یاد نگیرم از آن عبور می‌کنم. موسیقی کاملاً سلیقه ای است. ممکن است هرکسی هر اثری را دوست داشته باشد. ولی اصول علمی هنری را نمی‌توان منکر شد. اگر اثری هم در آن اصول علمی و فنی و هنری رعایت شده باشد و همزمان دارای ذوق هنری هم باشد آن اثر تکمیل است.

صحبت‌های پایانی شما را می‌شنویم.

* نکته ای که در پایان می‌خوام بگم و ذهنم را مشغول کرده و بحث آموزش است. آموزش‌های غلطی که متأسفانه بچه‌ها داده میشه و آموزشگاه‌هایی که صلاحیت تدریس ندارند و متأسفانه در تمام ایران مشغول آموزش هنر و موسیقی به بچه‌های مردم هستند که واقعاً جفا در حق این بچه‌ها هست. فقر دانش و وجود اعتماد بنفس کاذب باعث می‌شود که برخی از نکات را بعضی از افراد با اطمینان به هنرجو منتقل بکنند. وقت، عمر و هزینه افراد را هدر می‌دهند. بسیار دردآور است. خواهش مندم به وجدان خودمان رجوع کنیم و این کار را نکنیم و کار اشتباه انجام ندهیم. برای مثال در کنسرواتوارهای خارج از کشور همه چیز مشخص مکتوب است کسی نمی‌تواند بگوید من اینگونه درس می‌دهم و من اینگونه می‌گویم (من) وجود ندارد. وقتی یک روند آموزشی مشخص وجود دارد من نمی‌توانم در آن دخل و تصرف کنم. و بچه‌ها امروزه زیاد می‌فهمند و سریع می‌فهمند اشتباه معلم‌ها را تشخیص می‌دهند در عصر ارتباطات. به خودمون احترام بگذاریم تا بقیه هم به ما احترام بگذارند. و در پایان می‌خواهم بگویم که به‌ترین سفرهای من در کرمان بوده و دوست دارم بچه‌های کرمان و تهران ارتباط بیشتری باهم داشته باشند و روز به روز پیشرفت کنند.



تصویر ۴۶: کارگاه آموزشی ویولن کلاسیک استاد کیارس، آموزشگاه موسیقی اخلاقی



تصویر ۴۷: از سمت راست آقای شهروز شعایی از رسانه موسیقی کرمان (رسام)، خانم مهشید کرمی نژاد معلم ویولن و استاد کیارس